

مقدمه

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، ۵۶): جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.
و فلسفه بعثت پیامبران را نیز عبادت و مبارزه با طاغوت می‌شمارد: وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶): ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.
قرآن نماز را از مشترکات ادیان دانسته و برای آن در نهضت‌های انبیاء(ع) جایگاهی والا قائل است. به نمونه‌هایی از آن توجه کنید:

حضرت ابراهیم(ع)

۱. هدف از مأموریت حساس و دشوار خود از سرزمین خوش آب‌وهوای فلسطین به سرزمین سوزان حجاز را اقامه نماز اعلام می‌کند:
رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكِ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (ابراهیم ۳۷): پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.
۲. با پسرش اسماعیل به بازسازی کعبه برمی‌خیزد و در

با بررسی موضوع نماز در قرآن و نهج‌البلاغه، به اهمیت و جایگاه آن در جغرافیای دین پی می‌بریم. واژه «صلوة» و مشتقات آن بیش از ۹۰ بار و واژه‌های مرتبط به نماز مثل عبادت، رکوع، سجده، وضو، غسل، تیمم، مسجد، قبله، قیام، قعود، قنوت، تسبیح، تکبیر، اذان، وقت، ذکر، حمد و شکر بیش از ۹۰۰ بار در قرآن آمده است و این هزار مورد نشانگر نقش بی‌نظیر این فریضه است که رسول خدا آن را ستون خیمه دین، کلید بهشت، سیمای دین و مرز کفر و اسلام دانست

مقاله حاضر ضمن بررسی برخی از آیات نماز، به جایگاه آن در نهج‌البلاغه نیز نگاهی اجمالی دارد.

کلیدواژه‌ها: نماز مطلوب، قرآن، نهج‌البلاغه، آثار نماز،

انبیاء(ع)

نماز در قرآن

تاریخ نماز به آفرینش انسان برمی‌گردد. قرآن کریم فلسفه خلقت جن و انس را عبادت می‌داند:

خورشید،

سرچشمه روزهاست

نماز در قرآن و نهج‌البلاغه

حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی

پژوهشگر و نویسنده

پایان برای قبولی کار خود دعا می کند:

وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره: ۱۲۷) و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند (و می‌گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

۳. از جانب خداوند مأمور می‌شود تا به اتفاق پسرش اسماعیل مسجد را برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنند:

وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره: ۱۲۵) و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.

۴. آرزو و آرمان بزرگ ابراهیم (ع) برای نسل آینده و فرزندان این است که خدایا مرا و ذریه‌ام را از اقامه کنندگان نماز قرار ده:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ (۴۰ ابراهیم): پروردگار، مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز: پروردگارا و دعای مرا بپذیر.

حضرت موسی (ع)

۱. در صدر مأموریتش عبادت و اقامه نماز می‌درخشد: **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه، ۱۴):** منم، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار.

۲. هدف خود را از مبارزه با فرعون و تشکیل حکومت دینی جامعه‌ای سرشار از تسبیح خدا و لبریز از ذکر خدا اعلام می‌کند: **كَيْ نَسْبَحَكَ كَثِيرًا وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا (طه ۳۳ و ۳۴):** تا تو را فراوان تسبیح گوئیم و بسیار به یاد تو باشیم.

۳. پس از پیروزی انقلاب از جانب خداوند مأمور می‌شود شهری جدید با معماری جدید بسازد که اقامه نماز اصلی‌ترین برنامه شهروندان باشد: **وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوِّءَا لِقَوْمِكُمْ بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بِيوتِكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (یونس، ۸۷):** و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی آماده سازید و خانه‌های خود را پرستشگاه - یا روبه‌روی هم - قرار دهید و نماز را برپا دارید و مؤمنان را مژده ده.

۴. و زمانی که برای دریافت الواح تورات به کوه طور می‌رود یکی از فرمان‌های خدا را نماز می‌یابد:

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره، ۸۳): و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل

پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان یتیمان و بی‌نوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید. نماز را برپا دارید و زکات بدهید. سپس (با این که پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید (و از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

۵. و در فرمانی دیگر به برگزاری نماز جماعت مأمور می‌شوید: **وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ آذِكُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره، ۴۳):** و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگذارید).

حضرت مریم (س)

۱. مادرش نذر می‌کند طفلی را که در شکم دارد به خدمت مسجد بگمارد:

إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (آل عمران، ۳۵): (به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: خداوندا، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

۲. مادر نام دختر را مریم یعنی عبادت کننده می‌گذارد: **فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (آل عمران، ۳۶):** ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت) گفت خداوندا، من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر بود - و پسر، همانند دختر نیست (دختر نمی‌تواند وظیفه خدمت‌گزاری معبد را همانند پسر انجام دهد). من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندان او را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.

۲. سرپرستی‌اش را پیامبری بزرگ به عهده می‌گیرد: **فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا (آل عمران ۳۷):** خداوند، او [مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد) و کفالت او را به «زکریا» سپرد.

۴. مریم نوجوان در پرتو عبادت طعام آسمانی دریافت می‌کند و پیامبر خود را شگفت زده می‌کند:

كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران، ۳۷): هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید ای مریم، این را از کجا آورده‌ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.

۵. از طریق فرشتگان مطلع می‌شود که برگزیده شده است: **وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ**

آرزو و آرمان بزرگ ابراهیم (ع) برای نسل آینده و فرزندان این است که خدایا مرا و ذریه‌ام را از اقامه کنندگان نماز قرار ده



وَاضْطَفَاكَ عَلَيَّ نِسَاءَ الْعَالَمِينَ (آل عمران، ۴۲): و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم، خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

۶. پس از گزینش مسیر کمال او در بندگی تعریف می‌شود: يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران، ۴۳) ای مریم، (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آر و با رکوع کنندگان، رکوع کن.

حضرت عیسی (ع)

به فرمان خدا در آغاز تولد به زبان می‌آید و اعلام می‌کند که من بنده خدا هستم، به من کتاب داده شده و من فرستاده خدایم و خداوند تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش فرموده است: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم، ۳۱): و مرا - هر جا که باشم - وجودی پر برکت قرار داده است و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

حضرت زکریا (ع)

۱. با دیدن طعام آسمانی در کنار مریم عذرا دست به دعا برداشت و از خداوند فرزند طلب کرد: هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران، ۳۸): در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد خداوند، از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی.

۲. در حال نماز بود که مژده فرزنددار شدن را شنید: فَتَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۳۹): و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد (کسی) که کلمه خدا [مسیح] را تصدیق می‌کند و رهبر خواهد بود و از هوس‌های سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.

۳. متحیر بود که چگونه در سن پیری صاحب فرزند شده است که پیام آمد تا سه روز جز ذکر خدا مگو و پیوسته به تسبیح بپرداز: قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمًا وَ اذْكَرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ (آل عمران، ۴۱): (زکریا) عرض کرد پروردگارا، نشانه‌ای برای من قرار ده. گفت نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت (و زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای گفت‌وگو با مردم از کار می‌افتد). پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ)، بسیار یاد کن و به هنگام صبح و

شام، او را تسبیح بگو.

حضرت شعیب (ع)



گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟!

آن قدر نماز در عملکرد این پیامبر می‌درخشید که مردم به او می‌گفتند: آیا نماز تو ما را از پرستش بت‌ها و این که هرگونه که دوست داریم در دارایی خود تصرف کنیم باز می‌دارد:

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أ صَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْخَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود، ۸۷): گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!

حضرت لقمان (ع)

حکمت‌های این شخصیت بزرگ و مربی حقیقی زبانزد است. جالب اینجاست که در صدر سخنان خود به فرزندش نماز را قرار می‌دهد:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، ۱۷): پسر، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!

حضرت محمد (ص)

۱. رسول خدا فرمود: اولین چیزی که خداوند بر اتمم واجب فرمود نماز بود، از این روست که می‌بینیم از روز اول بعثت نماز را به جماعت برگزار می‌کرد. دیری نپائید که ابوجهل کمر بست تا این نماز را تعطیل کند که آیاتی از سوره علق به آن اشاره دارد: أَرَأَيْتَ الَّذِي يُنْفِي؛ عَبْدًا إِذَا صَلَّى (علق، ۹ و ۱۰): آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت بنده‌ای را آن‌گاه که نماز می‌گزارد؟

۲. چون از مکه به سوی مدینه حرکت کرد نزدیک مدینه به روستای قبا رسید و منتظر ماند تا امیرالمؤمنین برسد. در همین چند روز مسجد قبا را ساخت و قرآن آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (توبه، ۱۰۸):

مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته‌تر است که در آنجا نماز کنی. در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.

۳. به محض ورود به مدینه به رغم کارهای فراوانی که داشت اولویت خود را ساختن مسجد قرار داد و مسجدالنبی را ساخت.

۴. با پیش آمدن جنگ‌ها، نماز و جنگ را درهم آمیخت و جنگی متفاوت از همه جنگ‌های دنیا را که آمیزه‌ای از حماسه و عرفان بود، به نمایش گذاشت، به طوری که خداوند او را موظف کرد در میدان جنگ در برابر دیدگان دشمن نماز را به جماعت

برگزار کند:

وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ
وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لِنَاتِ طَائِفَةٌ
أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ (نسا
ع، ۱۰۲): و هنگامی که در میان آن‌ها باشی و (در میدان جنگ)
برای آن‌ها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از آن‌ها با تو (به نماز)
برخیزند و سلاح‌هایشان را با خود بگیرند و هنگامی که سجده
کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشت سر شما (به
میدان نبرد) بروند و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول
پیکار بوده‌اند) بیایند و با تو نماز بخوانند. آن‌ها باید وسایل دفاعی
و سلاح‌هایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند.

۵. به دلیل اهمیت نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان،
خداوند او را موظف کرد که خانواده‌اش را به نماز سفارش کند
و بر این امر پایداری ورزد: وَ أَمُرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبِرْ عَلَيْهَا
(طه، ۱۳۲): خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن
شکیبای باش.

امام رضا(ع) فرمود: پس از نزول این آیه پیامبر تا نه ماه
هنگام هر نماز که می‌شد در خانه علی(ع) و دخترش حضرت
فاطمه را می‌زد و نماز را یادآوری می‌فرمود (تفسیر صافی).

۶. و آن‌گاه که به حکومت رسید خداوند نماز را در صدر
برنامه‌های حکومت صالحان قرار داد:

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ
أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱):
همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز
را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر
می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

اسرار و آثار نماز

احکام دین و دستورات شریعت چون از جانب خدای حکیم
صادر شده دارای حکمت و دلیل و فلسفه است و در قرآن و در
رهنمودهای پیامبر و امامان به بسیاری از آن‌ها اشاره شده است
و در طول زمان عالمان بزرگی مجموعه‌هایی تحت عنوان علل
الشرائع تدوین نموده‌اند. بدیهی است که پرسشگری در نهاد هر
انسانی است و دین پاسخ‌گوی پرسش‌های مردم است. البته نباید
فراموش کرد که گاهی انگیزه پرسشگر دانستن و فهمیدن نیست
بلکه قصد او انکار یک موضوع یا استهزاء و به سخریه گرفتن آن یا
ایجاد شبهه و آلوده کردن افکار است، که نمونه‌های بسیاری از این
نوع پرسش‌ها در قرآن و احادیث به چشم می‌خورد.

نکته دیگر این است که ما براساس عقل سلیم اصول
اعتقادی خود را پذیرفته‌ایم و تسلیم دستورات الهی هستیم و به
آن تعبد داریم و با این احساس به سراغ فلسفه احکام می‌رویم
نه این که دربند فلسفه حکمی باشیم و تا آن را ندانیم عمل

نکنیم، بلکه بیان اسرار و آثار احکام بصیرتی به ما می‌دهد تا با
انگیزه‌های بیشتر به احکام خدا پایبند باشیم.

اینک به برخی از آیات قرآن پیرامون حکمت‌ها و آثار نماز
می‌پردازیم:

۱. نماز تشکر از خداست

قرآن کریم همه انسان‌ها را مخاطب قرار داده است و
می‌فرماید به شکرانه این که خدا شما را آفرید، زمین را برایتان
گسترده و آسمان را برافراشت و از آسمان برایتان باران فرستاد و
گیاهان را برایتان رویاند تا رزق شما باشد، خدا را عبادت کنید:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ
أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا
لِلَّهِ أُنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره، ۲۱ و ۲۲): ای مردم، پروردگار
خویش را که شما و پیشینیان شما را آفریده پبستید، باشد که
پرهیزگار شوید. آن که زمین را برای شما بستری [گسترده] و
آسمان را بنایی - سقفی برافراشته - ساخت و از آسمان آبی فرو
آورد پس به آن [آب] از میوه‌ها روزی برای شما بیرون آورد،
پس برای خدا همتایان قرار مدهید و خود می‌دانید [که خدا
بی‌همتا است].

۲. نماز راه درست زندگی است

وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (بس، ۶۱): و این که مرا
پبستید، که این است راه راست.

۳. نماز نجات‌بخش در بحران‌ها و مشکلات است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ
الصَّابِرِينَ (بقره، ۱۵۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و
نماز کمک بجویید، که همانا خداوند با صابران است.

۴. نماز نهیب‌زننده و بازدارنده انسان از زشتی‌ها و بدی‌هاست

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ
اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت، ۴۵): و نماز را برپا دار،
که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر
است و خدا می‌داند چه می‌کنید.

۵. نماز عامل قرب به خداست

وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ (علق، ۱۹): سجده نما و (به خدا) تقرب
جوی.

نماز عامل اعتدال و بهداشت روان است

قرآن می‌فرماید: انسان به گونه‌ای است که وقتی سختی و
مصیبت به او می‌رسد بی‌قراری و جزع و فرع می‌کند و چون به
رفاه می‌رسد از دیگران دریغ می‌دارد، مگر نمازگزاران:
إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقٌ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ
الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (معارج،



۱۹ تا ۲۳): به یقین انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است؛ هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد)، مگر نمازگزاران آن‌ها که نمازها را پیوسته به‌جا می‌آورند.

ویژگی‌های نماز مطلوب

راز این که بسیاری از ناکارآمدی نماز شکایت دارند این است که نمازی را که قرآن از ما خواسته انجام نمی‌دهیم، نمازی که قرآن از ما می‌خواهد دارای این خصوصیات است:

۱. با آگاهی و شناخت

از آغاز اذان تا پایان نماز اذکاری که به‌زبان جاری می‌کنیم حدود ۳۵ جمله است؛ جملاتی کوتاه با مضامینی بلند. نمازگزار باید پیوسته شناخت خود را نسبت به این اذکار افزایش دهد و نماز را با آگاهی و نه غفلت به‌جا آورد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ...** (نساء، ۴۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید.

۲. با اخلاص و به‌دور از ریا

نیت رکن نماز است و نمازگزار از آغاز تا پایان باید توجه داشته باشد که قصدش از این کار جلب رضا و خشنودی خداست: **قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (انعام، ۱۶۲): بگو نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

قرآن کریم در سوره ماعون نمازگزار را با کار را بی‌دین معرفی می‌کند: **الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ**: همان کسانی که ریا می‌کنند.

۳. با خشوع و احساس کوچکی

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون، ۱ و ۲): به راستی که مؤمنان رستگار شدند، (۱) همانان که در نمازشان فروتن‌اند.

۴. با حضور قلب

قرآن کریم نسبت به نمازگزارانی که سهل‌انگارند و در نماز حضور قلب ندارند به شدت هشدار می‌دهد: **فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** (ماعون، ۴ و ۵): پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند.

۵. به جماعت

قرآن به زنان و مردان خداپرست فرمان می‌دهد که این فریضه را به جماعت بخوانید و پیامبر عزیز اسلام از روز اول با دو نفر (امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه) نماز را به جماعت خواند: **وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ** (بقره، ۴۳): و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارد).
يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل

عمران، ۴۳): ای مریم، خدای خود را با فروتنی فرمانبردار باش و با نمازگزاران سجود و رکوع کن.

۶. در وقت معین شده

قرآن می‌فرماید نماز واجبی است وقت‌دار و وقت جزء جوهره نماز است: **إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا** (نساء، ۱۰۳): نماز بر مؤمنان فریضه‌ای زماندار است تا نمازگزار بیاموزد که از وقتش بهترین استفاده را بکند و برای وقتش برنامه‌ریزی کند. آیات متعددی در قرآن می‌فرماید نماز را در این وقت‌ها بپادارید و فقیهان بزرگ ما می‌فرمایند نماز قبل از وقت باطل و نماز در اول وقت بهترین است. نماز با تأخیر ثواب کمتر دارد:

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (هود، ۱۱۴): و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب که نزدیک روز است برپا دار (نماز صبح را در نیمه اول روز و ظهر و عصر را در نیمه دوم آن و مغرب و عشا را در اوایل شب بخوان)، که به یقین نیکی‌ها (که نماز در رأس آن‌هاست) گناهان را از بین می‌برد (پلیدی گناه را از نفس، مفاسد آن را از آفاق، سیاهی آن را از نامه عمل و استحقاق عذاب را از عامل می‌زداید)، این تذکری است برای یادکنندگان.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (اسراء، ۷۸): از اول زوال خورشید (از دائرة نصف‌النهار، درباره هر شخصی نسبت به محیط خود) تا نهایت تاریکی شب (تا نیمه آن) نماز را برپا دار (چهار نماز فریضه یومیه: ظهر و عصر و مغرب و عشاء و بیست و یک رکعت نافله‌های آن‌ها را اقامه کن) و نیز قرآن صبح را (نماز صبح و نافله صبح را)، همانا قرآن صبح مشهود (فرشتگان شب و روز برای نوشتن آن) است.

همراهان نماز

غالباً نسخه طبیب حاوی چند قلم داروست که اگر همه داروها با هم استفاده شود بهبودی حاصل می‌شود. خدای حکیم در کتاب خود نسخه‌های شفابخشی به انسان راهنمایی کرده که در صورت عمل به همه آن‌ها درمان می‌یابد. نتیجه این که چنین موضوعات در قرآن حکیمانه و معنادار است.

با بررسی‌هایی که به عمل آمده نماز در قرآن در کنار ۵۰ موضوع قرار گرفته است که به چند نمونه توجه می‌کنیم:

۱. سوره بقره، آیات ۳ تا ۵، اوصاف متقین را بیان می‌کند در این تصویر ایمان به غیب، نماز، انفاق، ایمان به قرآن، ایمان به کتاب‌های آسمانی و یقین به آخرت در کنار هم قرار گرفته‌اند: **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ** و **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ**



قرآن نماز را از مشترکات ادیان دانسته و برای آن در نهضت‌های انبیا(ع) جایگاهی والا قائل است

بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ: آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستخیز یقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشان‌اند و آنان رستگاران‌اند.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۱ تا ۹، اوصاف مؤمنین را به نمایش گذاشته و خشوع در نماز، دوری از بیهوده‌گویی، پرداخت زکات، پاکدامنی، امانتداری، وفای به عهد و در پایان پاسداری از نماز کنار هم چیده شده است. جالب این که در این مجموعه دوبار نماز را مطرح می‌کند. آری این نسخه شفا بخش الهی است که نمازگزار نه تنها در اندیشه برگزاری نمازی خوب بلکه برای تمام رفتار، منش و اخلاق خود باید برنامه داشته باشد. چنین نمازگزاری چون آهن‌ربا مردم را به نماز مشتاق می‌کند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ: مؤمنان رستگار شدند آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند و آن‌ها که زکات را انجام می‌دهند و آن‌ها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.

نماز در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین (ع) اولین نمازگزار و تجسم واقعی بندگی بود و با جمله فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ در محراب عبادت جان نورانی‌اش به ملکوت پر کشید. رهنمودهای مولا درباره نماز در نهج البلاغه فراوان است، که به چند فقره آن می‌پردازیم:

۱. تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْتَبُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا أَلَّا تَسْمَعُونَ إِلَىٰ جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سَأَلُوا مَا سَأَلْتَكُمْ فِي سَفَرٍ قَالُوا لِمَ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ إِنَّهَا لَتَحْتُ الدُّنُوبَ حَتَّىٰ الْوَرَقَ وَ تَطْلُقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِّقِ وَ سَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَمَّةِ تَكُونُ عَلَىٰ بَابِ الرَّجُلِ فَهِيَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَىٰ أَنْ يَنْبَقِيَ عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ وَ لَا قَرَّةٌ عَيْنٍ مَنْ وُلِدَ وَ لِأَمَالٍ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ رَجُلٌ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَصَبًا

بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْحَقَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ أَمْرَ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبْرَ عَلَيْهَا فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ (خطبة ۱۹۰).

نماز را به پا دارید، محافظت آن را برعهده گیرید، زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوئید، زیرا نماز «به عنوان فریضه واجب در اوقات مختلف شبانه‌روز بر مؤمنان مقرر شده است»، مگر به پاسخ دوزخیان در برابر این پرسش که «چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است» گوش فرانداه‌اید که می‌گویند «ما از نمازگزاران نبودیم...»

نماز گناهان را هم چون برگ‌های پائیزی می‌ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن‌ها می‌گشاید.

پیامبر (ص) «نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه کسی باشد و شبانه‌روزی پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد تشبیه کرده است» که بدون تردید چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی نخواهد ماند.

گروهی از مؤمنان که زینت و متاع این جهان و چشم روشنی آن؛ یعنی فرزندان و اموال، آنان را به خود مشغول نداشته‌اند، حق نماز را خوب شناخته‌اند. خداوند سبحان می‌گوید: «هردانی هستند که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.»

رسول خدا (ص) بعد از بشارت به بهشت، خویش را در مورد نماز به تعب و مشقت انداخته بود، زیرا خداوند به او فرموده بود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و در برابر آن شکیبا باش» لذا آن حضرت اهل بیت خود را به نماز امر می‌کرد و خود نیز در انجام آن شکیبایی داشت.

۲. در وصیت‌نامه‌ای که علی (ع) برای فرزندان و همه دوستانش در طول تاریخ نوشته است به نماز توصیه می‌کند: اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودٌ دِينِكُمْ: خدا را خدا در مورد «نماز» چرا که ستون دین شماست (نامه ۴۸).

۳. به کارگزارانش نماز را به عنوان محور و ملاک کارها معرفی می‌کند: صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لَا تَعْجَلْ وَقْتَهَا لِفِرَاغٍ وَ لَا تُوَحَّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِغْثَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ (نامه ۲۷):

نماز را در اوقات خودش به جای آر نه آن‌که به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی ... و به هنگام اشتغال به کار آن را تأخیر اندازی و بدان که تمام اعمال تابع نمازت خواهند بود.

در وصیت‌نامه‌ای که علی (ع) برای فرزندان و همه دوستانش در طول تاریخ نوشته است به نماز توصیه می‌کند: «اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودٌ دِينِكُمْ»؛ خدا را خدا در مورد «نماز» چرا که ستون دین شماست



پی‌نوشت

عزیزی، عباس، نماز در آیینة حدیث، نشر فجر قرآن، قم، ۱۳۸۵

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی